

آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره سیزدهم، شماره ۲۳، بهار - تابستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۳۲۱-۳۴۶)

امکان سنجی استناد به قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال»

نسبت به زنا در باب نکاح با تطبیق بر ماده ۱۰۵۵ ق.م.*

- مهدی معظمی گودرزی^۱
- سیدمحمدحسن موسوی خراسانی^۲
- میثم خزائی^۳
- حجت پولادین طرقی^۴

چکیده

قاعده فقهی «الحرام لا یحرّم الحلال» از جمله قواعد فقهی تنصیصی مربوط به باب نکاح است که از نظر سندی ایرادی به آن وارد نیست؛ لکن از نظر دلالتی، مباحث زیادی در مورد واژه‌های «حرام» و «حلال» در قاعده مطرح گردیده است. اکثر فقهای امامیه، «حلال» در قاعده را به معنای اعم از حلال فعلی و شائی دانسته‌اند. همچنین مشهور فقها، حرمت منظور در قاعده را پنج مصداق

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)
(goodarzi243@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (mmoosavikhorasani@yahoo.com).

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیه‌الله العظمی بروجردی (meisam.khazae@abru.ac.ir).

۴. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (hojjatpooladin1371@gmail.com).

«زنا، لواط، لمس، نظر و وطی به حرام» شمرده‌اند.

از این روی که آرای فقها در تطبیق یا عدم تطبیق قاعده نسبت به عمل زنا مختلف است، پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، مسئله مذکور را بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته است که اگر زنا طاری بر عقد باشد، زنا یا زوجه یا زوج و همچنین زنا یا زن شوهردار - حتی اگر مصرّ به این کار هم باشد - به خاطر قاعده مذکور و ادله خاص دیگر، مطلقاً بر عقد زوجه (مدخول‌بها یا غیر مدخول‌بها) تأثیری ندارد. همچنین اگر زنا قبل از عقد باشد و مورد زنا نیز حلال شأنی باشد، قاعده مذکور اجرا می‌گردد. از ماده ۱۰۵۵ ق.م. نیز همین برداشت استنباط می‌شود.

واژگان کلیدی: زنا، زنا یا سابق بر نکاح، زنا یا لاحق بر نکاح، نکاح.

۱. مقدمه

تبیین و تشریح فرع‌های مختلف و ضابطه‌مند کردن استنباط از منابع گوناگون، کاری دشوار و مشقت‌بار است. از طرف دیگر اشتراک فرع‌ها در عناوین کلی، اعمال عمل قبلی را قدری تسهیل می‌کند. تجمع این دو، یعنی اکتشاف عناوین کلی در فقه و برگرداندن فروعات به آن‌ها، باعث گردید که بعدها قواعد فقهی نظام‌مند و در کتاب‌های مستقل تدوین گردند. از جمله این قواعد، قاعده «الحرام لا یحرم الحلال» است که گرچه در ابواب دیگر نیز مطرح می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵/۱۲/۳)، لکن در این نوشتار تنها در باب نکاح مورد بررسی قرار می‌گیرد. ظاهراً تعبیر به قاعده را بنا بر نقل سبزواری، اولین بار صاحب جواهر مطرح کرده است (زارعی سبزواری، ۱۴۳۲: ۲۴۴/۴). گرچه در کتب مربوط به قواعد فقهیه معروف بعد از صاحب جواهر همچون قواعد فقهیه بجنوردی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و سیفی مازندرانی، نامی از این قاعده برده نشده، اما این قاعده به طور مختصر در کتاب قواعد فقهیه سبزواری بررسی شده است (همان: ۲۴۴/۴-۲۵۹) که البته دچار نقایصی است خصوصاً در تطبیق آن بر زنا.^۱

۱. ما در مقاله‌ای جداگانه که هنوز منتشر نشده است، ضوابط و حدود و ثغور این قاعده را به لحاظ اینکه قاعده اصولی است یا فقهی، و اینکه این قاعده مختص به باب نکاح است یا در باب‌های دیگر هم جاری می‌شود و سایر مباحث آن، همراه با ادله، بدون تطبیق بر مصداقی خاص همچون زنا و... بررسی کرده‌ایم و این مختصر مجال بیان آن مباحث را ندارد.

در هر صورت با تتبع انجام گرفته در منابع فقهی، پنج مصداق حرمت زنا، لواط، لمس، نظر و وطی به حرام (وطی در حال حیض و نفاس، وطی در حال ظهار، ایلاء و...)، در باب نکاح متأثر از این قاعده هستند. پژوهش حاضر سعی دارد قاعده مذکور را در مسئله زنا، و تأثیر آن را بر حرمت نکاح مورد بررسی قرار دهد.

هرچند در منابع فقهی به تأثیر زنا بر حرمت نکاح پرداخته شده است، لکن به ندرت به بررسی این مسئله از دریچه قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» و تطبیق آن با قانون مدنی پرداخته شده است. قانون مدنی در ماده ۱۰۵۵^۱ این قاعده را در باب نکاح در قسمت مربوط به زنا اجرا کرده است که تفسیر و تطبیق آن بر قاعده مزبور در این نوشتار خواهد آمد.

بر این اساس با توجه به تشّت و اختلاف نظر در تطبیق این قاعده بر مسئله زنا، این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مسئله مذکور پرداخته است. از آنجایی که تحلیل و تثبیت فروع این قاعده، منوط به دو شرط مستند بودن قاعده و تبیین حدود قاعده است، ابتدا به توضیح این دو ضرورت پرداخته شده است. بعد از بررسی این دو شرط، به مسئله اصلی پژوهش، یعنی به بحث زنا و فروع مربوط به آن در ضمن قاعده پرداخته است.

۲. بررسی سندی قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال»

با تتبع در منابع روایی، قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» به طور صریح در ۱۹ روایت ذکر شده است. بنابراین باید آن را از جمله قواعد تنصیصی دانست. البته قاعده مذکور در روایات، با سه تعبیر متفاوت «الحرام لا یفسد الحلال»، «لا یحرّم الحرام الحلال»، «ما حرّم حرام حلالاً» بیان شده است. بر این اساس سعی می‌گردد روایات نوزده گانه، در سه دسته مورد بررسی قرار گیرند. همچنین برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها به روایات صحیح‌السند اشاره می‌شود.

۱. ماده ۱۰۵۵ ق.م.م.: «نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد، از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است، ولی مبطل نکاح سابق نیست».

۱-۲. روایات با عبارت «الحرام لا یفسد الحلال»

مجموعاً ۱۰ روایت با این مضمون از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است. از جمله آن‌ها روایت حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان است:

«به امام صادق علیه‌السلام گفتم: شخصی با خواهرزانش زنا می‌کند، آیا این زنا باعث حرام شدن زنش می‌شود؟ امام علیه‌السلام فرمود: «همانا حرام حلالی را فاسد نمی‌کند» (صدوق، بی‌تا: ۴۵۳/۴).

طریق شیخ صدوق به حسن بن محبوب، شیخ حرّ عاملی به این صورت آورده است:

«وما كان فيه عن الحسن بن محبوب: فقد روئته عن محمد بن موسى بن المتوكل عن سعد بن عبدالله وعبدالله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب» (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳/۳۰).

با بررسی منابع رجالی باید گفت که همه این افراد ثقة هستند.^۱

۲-۲. روایات با عبارت «لا یحرّم الحرام الحلال»

روایات دربرگیرنده این عبارت مجموعاً پنج روایت است. از جمله آن‌ها:

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه‌السلام سؤال کرد از شخصی که با دوزن زنا می‌کند، آیا می‌تواند با یکی از آن‌ها ازدواج کند؟ امام علیه‌السلام فرمود: «بله، حرام حلالی را حرام نمی‌کند» (همان: ۴۳۵/۲۰).

این روایت را باید از روایات معتبره دانست؛ زیرا هرچند نجاشی، علی بن جعفر را با اینکه از فرزندان امام صادق علیه‌السلام است، مورد توثیق قرار نداده و نسبت به او ساکت است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۷۲/۲)، لکن شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام شمرده و توثیق نموده است (طوسی، ۱۴۰۲: ۳۷۹). کشتی نیز در

۱. این روایت را مجلسی اول در *روضه المتقین* (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۲۶۱/۸) و میرزای قمی در *جامع الشتات* (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۵۳۷/۴) معنون به صحیح کرده‌اند. علت این امر آن است که علامه حلی در *خلاصة الاقوال* محمد بن موسی را توثیق کرده (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۴۹) و مجلسی دوم در *الوجیزه* در رابطه با این فرد فرموده است: «ثقه» (مجلسی دوم، ۱۴۲۰: ۱۷۳) و بنا بر نقل شبیری زنجانی، شهید ثانی و صاحب *مدارک* نیز این فرد را ثقة دانسته‌اند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۳۹۰/۱۱). نجاشی در مورد سعد بن عبدالله می‌نویسد: «شیخ هذه الطائفة وفقهها ووجهها» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۷۷). بقیه افراد هم برای اهل فن (اهل رجال) معلوم الحال می‌باشند.

رجالش دو روایت نسبت به علی بن جعفر آورده است که هر دو دلالت بر صحیح بودن اعتقاد و مستقیم بودن روش علی بن جعفر دارد (همو، ۱۴۲۱: ۴۸۹).
با این تفصیل، روایت از جهت سند مشکلی نداشته و مورد قبول است.

۲-۳. روایات با عبارت «ما حرم حراماً»

روایات دربرگیرنده این لفظ مجموعاً چهار روایت می‌باشد. از جمله آن‌ها روایت زراره است:

«به امام باقر علیه السلام گفتم: مردی با مادر و یا دختر و یا خواهرزانش زنا می‌کند، امام علیه السلام فرمود: «زوجه این مرد بر او حرام نمی‌شود». سپس فرمود: «به هیچ عنوان حرام حلالی را حرام نمی‌کند» (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۲۹/۲۰).

در سند این روایت هیچ خدشه‌ای نیست و از جمله روایات صحیحه یا به تعبیری بنا بر وجود ابراهیم بن هاشم، حسنه محسوب می‌شود.^۱

۳. مفهوم‌شناسی اصطلاحات قاعده

قاعده مزبور دارای مفردات «حلال» و «حرام» است که تبیین دقیق حدود و ثغور آن‌ها تأثیر شگرفی در تطبیق مصادیق قاعده می‌گذارد. لذا نیاز است مراد از واژگان مذکور تبیین گردد:

۳-۱. مراد از «حلال»

اگر گفته شود که آنچه به ذهن تبادر می‌کند این است که مراد از حلال در روایت، حلال وضعی می‌باشد، چرا که از بین احکام پنج‌گانه تکلیفی - واجب، مستحب، حرام، مباح، مکروه - ما عنوانی به نام حلال نداریم، لذا حلال منحصر در احکام وضعی که منظور جواز در نکاح می‌باشد، تعبیر می‌شود، صحیح نمی‌باشد؛ چرا که مراد از حلال

۱. سلسله سند این روایت عبارت‌اند از: «عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْتَةَ عَنْ زُرَّارَةَ». منظور از «علی»، علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر معروف می‌باشد. منظور از «أبیه»: ابراهیم بن هاشم می‌باشد. «ابن ابی عمیر» هم از اعظام می‌باشد و نقل او از هر کس، سبب توثیق آن شخص می‌شود؛ به همین خاطر، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همه راویان این حدیث معلوم‌الحال و از ثقات رجال امامیه می‌باشند.

در قاعده مباح است. به عبارت دیگر، ما در رابطه با نکاح، دو دسته زن داریم؛ زنانی که ازدواج با آنها مباح است و زنانی که ازدواج با آنها حرام است. این گفته را کلام شیبیری زنجانی تثبیت می‌کند. ایشان در بیان این قاعده می‌گوید:

«مراد از حلال، زن حلال است؛ یعنی زنی که می‌توانیم با سببی چون نکاح از او تمتع ببریم» (شیبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۹۱۱/۸).

مسئله منظور از حلال در این عبارت، زنی است که استمتاع از او برای مرد مباح است. اما در تفسیر «حلال» در قاعده، بین فقها اختلاف شده است؛ به گونه‌ای که برخی مراد از حلال را حلال فعلی^۱ دانسته‌اند. بر این اساس باید نسبت به موضوع بحث، سبب حلال ایجاد شده باشد (نجفی، ۱۴۲۲: ۶۴/۳۰). در مقابل، برخی دیگر مراد از حلال را اعم از فعلی و شأنی^۲ گرفته‌اند (شیبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۸۱۶/۸). به تعبیر دیگر، اگر مراد از حلال، فعلی باشد، دامنه قاعده محدود شده و فقط حلال بعد از عقد یا ملک را شامل می‌شود و اگر مراد از حلال اعم باشد، دامنه قاعده موسع شده و حلال قبل از عقد و بعد از عقد را نیز شامل می‌شود.

با توجه به اینکه برخی روایاتی^۳ که بیان‌کننده این قاعده هستند، به صورت صریح دیدگاه دوم را مطرح کرده‌اند، لذا دیدگاه دوم به واقع نزدیک‌تر است. بر این اساس با قبول این مبنا، بحث ادامه پیدا می‌کند:

- همان‌گونه که در باب زنای قبل از عقد خواهد آمد، بسیاری از فقها چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی، به این قاعده تمسک نموده‌اند (سید حکیم

۱. منظور از حلال فعلی این است که باید یک چیزی یا -در محل بحث- زنی به توسط عقد یا ملک، بر شخصی حلال باشد تا بعد از آن بحث کنیم که آیا حرام تأثیر روی آن دارد یا نه.

۲. مراد از حلال شأنی این است که زنی هنوز در عقد مردی نیست، ولی این قابلیت را دارد که بعداً به ازدواج آن مرد درآید.

۳. این روایات عبارت‌اند از: ۱- صحیح‌ه صفوان که می‌گوید: مرزبان از امام علیه السلام راجع به مردی که با زنی زنا کرده بود، در حالی که آن زن جاریه قوم دیگری بود، دختر آن زن را خرید، آیا آن دختر بر مرد زانی حلال است؟ امام علیه السلام فرمود: «لا یحرم الحرام الحلال» (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۲۷/۲۰). ۲- صحیح‌ه سعید بن یسار (همان: ۴۲۵/۲۰) و مرسله ابن رباط (همان: ۴۲۶/۲۰) که قریب به همین مضمون می‌باشند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این سه روایت، دختر زنی را گویند که به صورت تقدیری (شأنی) نه فعلی، بر آن مرد حلال می‌باشد.

به نقل از: همان: ۲۸۱۷/۸؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۷: ۳۳۷.

۲-۳. مراد از «حرام»

مراد از حرام چیست؛ آیا حرام وضعی است یا تکلیفی؟ اگر مراد از حرام اولی باشد، عقد نکاح با بودن آن باطل، و با نبودن آن صحیح می‌باشد؛ اما اگر مراد از حرام دومی باشد، بودن آن نسبت به بطلان یا عدم بطلان نکاح تأثیری ندارد، بلکه فقط عقاب را بر عمل مرتکبه بار می‌کند. با توجه به ظاهر ادله و بیان فقها به نظر می‌رسد مراد از حرام، حرام تکلیفی باشد؛ چنان که مشهور فقها پنج مصداق برای حرام به لحاظ تکلیفی برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: زنا، لواط، لمس، نظر نسبت به زن نامحرم و مرد، و وطی به حرام (وطی در حال حیض و نفاس، وطی در حال ظهار، ایلاء، احرام و وطی همزمان دو خواهر مملوک) نسبت به زوجه شخص و غیر زوجه. این مصداق از عبارات مختلف فقها برداشت می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۲۸/۲-۸۳۹). در مقابل در بین فقها، ابن جنید اسکافی بنا بر نقل علامه حلی در *مختلف*، حرام را منحصر در وطی با اقسامش دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۵: ۲۶/۴) که تمام آن مصداق فعل حرام، از نوع تکلیفی می‌باشند؛ گرچه با تبعی که در کتب فقهی صورت گرفته، کسی از فقها از گفته ابن جنید تبعیت نکرده است. این گفته ما که مراد از حرام، حرام تکلیفی است، با مورد حلال که گفته شد مراد حلال تکلیفی (مباح) است، از طریق سنخیت در سیاق هر دو تطابق دارد و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد مراد از «یحرم» که به صورت باب تفعیل آمده است، حرام وضعی باشد. علت این برداشت آن است که این قاعده - همان طور که گفته شد - در روایات با لفظ «یفسد» نیز آمده است که این لفظ حکم وضعی را می‌رساند که همان بطلان باشد. با این بیان به نظر می‌رسد معنای قاعده این است که عملی که به لحاظ شرعی حرام تکلیفی - مثل زنا، لواط، وطی در حال حیض و... می‌باشد، باعث نمی‌شود زنی که از طریق سببی با او مباح است، آن سبب را باطل یا فاسد کند، فتأمل^۱.

۱. فتأمل شیخ انصاری نه آخوند خراسانی.

۴. تطبیق قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» نسبت به زنا در باب نکاح هرچند نگارنده به تبعیت از مشهور فقها، قائل به اختصاص حرام به وطی در قاعده نیست، لکن آنچه پژوهش حاضر به آن می‌پردازد، بررسی قاعده در مصداق زناست. براین اساس بعد از تبیین مباحث مقدماتی مرتبط با قاعده، نوبت به مصداق‌شناسی یا به عبارت دیگر دامنه به کارگیری این قاعده به لحاظ توسعه و تضییق نسبت به زنا در نزد فقها می‌رسد. از آنجایی که زنا گاهی قبل از عقد یا ملک^۱ و گاه بعد از آن دو محقق می‌شود، لذا بحث در قالب این دو مورد انجام می‌گیرد:

۱-۴. تأثیر زنا بعد از عقد بر حلال

با توجه به اسباب حلّیت بین زن و مرد نامحرم و به تبع آن، محرمیت از طریق مصاهره، فروعات این باب در چهار فرع زنا ی پدر با زوجۀ پسر و برعکس، زنا با مادر زن و دختر زن، زنا ی پدر با مملوکه پسر و برعکس و زنا ی زن شوهردار یا در حال عده، قابل بحث است. البته به دلیل اینکه استدلال و اقوال فقها در سه فرع اول یکسان است، تحت عنوان واحد تأثیر زنا ی زوج یا غیر زوج بر عقد زوجۀ، و فرع آخر تحت عنوان تأثیر زنا ی زن شوهردار یا در حال عده بر عقد یا ملک زوج، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۴. تأثیر زنا ی زوج یا غیر زوج بر عقد زوجۀ

در صورتی که پدر با زن پسرش (عروس خود) زنا کند یا پسر با زوجۀ پدرش زنا کند، در صورت اول، زن پسر منکوحه آب می‌شود و در صورت دوم، زن پدر منکوحه پسر می‌شود. یا در صورتی که شخصی با زنی ازدواج کند و بعد با مادر آن زن و یا با دختر آن زن زنا کند، در صورت اول، زوجۀ خودش به عنوان ربیبه محسوب می‌شود و در صورت دوم، زوجۀ اش مادرزن آن شخص محسوب می‌شود. به همین صورت، در صورت زنا ی پدر با مملوکه پسر و برعکس قیاس می‌شود. در صورتی که این امور محرمه بعد از عقد یا ملک صورت گرفته باشد، فقها سه دیدگاه را در رابطه با آن مطرح نموده‌اند:

۱. به خاطر عدم موضوعیت ملک در حقوق امروز، رویکرد پژوهش مختص به عقد (موقت، دائم) خواهد بود.

۱.۱.۱.۴ دیدگاه اول: حرمت نیافتن زوجه بر زوج

مطابق با این دیدگاه - که مشهور فقها قائل به آن هستند - حرمت مطلقاً انتشار پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر، زنا بعد از عقد، زوجه‌ای را که توسط عقد حلال بوده است، حرام نمی‌کند (نجفی، ۱۴۲۲: ۶۶۴/۳۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۳: ۴۴۶/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۸: ۶۰۲/۲؛ همو، بی‌تا: ۵۱۰؛ محقق حلی، ۱۳۸۹: ۵۳۰/۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۲۹۸-۲۹۷/۷؛ ترجمینی عاملی، ۱۳۸۰: ۲۴۸/۶). حتی بنا بر گفته شهید ثانی، اصحاب امامیه بر عدم تحقق حرمت مصاهره به واسطه زنا لاحق بر عقد صحیح، اتفاق نظر دارند. به عبارت دیگر، زن مدخول بها بر زوج خود حرام نمی‌شود. اطلاق ماده ۱۰۵۵ ق.م. نیز گفته این فقها را مورد تأیید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، نه تنها نکاح سابق را با این عمل مبطل ندانسته، بلکه عدم تأثیر زنا را نسبت به نکاح سابق به طور مطلق مورد پذیرش قرار داده است. در این ماده آمده است:

«نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد، از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است، ولی مبطل نکاح سابق نیست».

از عبارت اخیر ماده که می‌گوید: «... مبطل نکاح سابق نیست»، دو نکته برداشت می‌شود: نکته اول: زنا لاحق بر نکاح سابق تأثیر ندارد. نکته دوم: این عدم تأثیر را به طور مطلق گفته است که در حقیقت تفصیل مطرح شده از جانب قول دیگر را به طور کنایه‌ای مردود دانسته است. این برداشت را غالب حقوق‌دانان تأیید کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۵۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۵؛ صفایی، ۱۳۸۰: ۱۱۵)؛ برای نمونه، صفایی در شرح این ماده می‌نویسد:

«... اگر قبلاً با زنی صحیحاً ازدواج کرده باشد، نزدیکی به شبهه یا زنا با محارم سببی خود مانند مادر زن، موجب بطلان ازدواج نخواهد بود» (صفایی، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظر خود به همان روایاتی که مستند قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» است، استناد می‌نمایند (عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۲۹۸/۷؛ نجفی، ۱۴۲۲: ۶۶۴/۳۰). البته علاوه بر روایات مذکور، به ادله دیگری همانند اصالت عدم حرمت و اجماع منقول و محصل نیز استناد جسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۲: ۶۶۴/۳۰).

۴-۱-۱-۲. دیدگاه دوم: تفصیل بین زوجه مدخوله و غیر مدخوله

طبق این دیدگاه باید بین زوجه مدخول بها و غیر مدخول بها تفصیل قائل شد. به این صورت که اگر زناى عارض بر عقد، قبل از دخول زوج نسبت به معقوده باشد، نشر حرمت واقع می‌گردد؛ برای مثال اگر مردی، زنی را به عقد خود درآورد و قبل از دخول با مادر زن خود زنا کند، در این صورت زوجه اش بر او حرام می‌شود؛ زیرا معقوده، دختر زنت محسوب می‌شود. یا اگر پدری با معقوده پسرش زنا کند، زوجه پسر به منزله منکوحه آب محسوب شده، در نتیجه آن زن بر عاقد حرام می‌شود. مطابق با نقل صاحب جواهر، این دیدگاه منتسب به ابوعلی طوسی پسر شیخ طوسی است (همان). البته از عبارت صاحب جواهر چنین فهمیده می‌شود که وی اعتبار دخول را در عدم نشر حرمت، مختص به معقوده پدر و پسر می‌داند. لکن به نظر می‌رسد همان گونه که صاحب جواهر گفته- ذکر این دو مورد به عنوان نمونه است، وگرنه حکم به سایر موارد هم سرایت می‌کند (همان).

این دیدگاه، مستند نظر خود را دلایل ذیل ذکر نموده است:

- آیه ۲۲ سوره نساء: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾؛ «او نکاح مکنید زن پدر را جز آنچه از پیش کرده‌اید؛ زیرا این کاری است زشت و مبغوض [خدا] و بد راه و رسمی است». این آیه عام بوده، شامل منکوحه قبل از عقد پسر و بعد از عقد پسر می‌شود؛ لکن چون آیه بعد از دخول از طریق روایاتی که در ذیل می‌آیند (روایت عمار و...) تخصیص خورده است، آیه شامل دو مورد اول می‌شود. علاوه بر اینکه لفظ نکاح، حقیقت در وطی است.

- روایت عمار: مطابق روایت عمار، از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که کنیزی داشت و نوه اش قبل از اینکه جد با او وطی کند، زنا کرد و یا شخصی که با زنی زنا کرد، سؤال شد که آیا پدر زانی می‌تواند با آن زن ازدواج کند؟ امام علیه السلام فرمود:

«خیر؛ ولی زمانی که آن شخص با آن زن ازدواج کرده باشد و با آن وطی هم کرده باشد، در این صورت زناى پسر ضرری نمی‌زند و این به خاطر این است که حرام حلالی را فاسد نمی‌کند و همین امر در رابطه با کنیز هم جاری می‌شود» (حزّ عاملی،

همان گونه که ملاحظه می‌شود، امام از مفهوم حصر برای بیان حکم استفاده فرمود. مفهوم حصر هم از جانب بسیاری از اصولیان حجت است (آخوند خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷/۲؛ مظفر، ۱۳۸۴: ۱۲/۱؛ صدر، ۱۳۸۹: ۱۴۵/۲). با حجت بودن مفهوم حصر، تعلیل امام به قاعده «الحرام لا یحرم الحلال» محدود به صورت دخول می‌شود.

- روایت کنانی: کنانی می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

«زمانی که شخصی با زنی زنا کند، دختر آن زن برای او حرام ابد می‌شود و اگر با آن دختر قبل از زنا با مادرش ازدواج کرده ولی هنوز دخول نکرده باشد و با مادرش زنا کند، ازدواج آن مرد با دختر آن زن باطل می‌شود و اگر با دختر آن زن ازدواج کرده و به او دخول هم کرده باشد و بعد با مادر زن زنا کند، این فجور باعث افساد نکاح دختر آن زن نمی‌شود؛ به خاطر اینکه حرام حلالی را فاسد نمی‌کند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۲۹/۷).

دلالت این روایت تام بوده و تعمیم اعتبار دخول در عدم نشر حرمت در این روایت هم واضح است.

لکن هر سه دلیل محل خدشه است؛ زیرا در دلیل اول، ایشان مدعی بودند که لفظ نکح در آیه «مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ» (نساء/۲۲)، حقیقت در وطی است؛ در حالی که در معنای لغوی نکاح، اختلافات زیادی وجود دارد، به طوری که برخی از لغویان نکاح را مشترک در معنای تزویج و وطی دانسته (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳۸۲/۲) و برخی آن را حقیقت در تزویج دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۷۵/۵). با وجود این اختلافات، تمسک کردن به این دلیل بسیار ضعیف است.

روایت عمار به خاطر وجود سهل بن زیاد، ضعف سندی دارد. علت این امر آن است که نجاشی در رجال (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵) و شیخ طوسی در الفهرست (طوسی، بی تا/الف): ۸۰، سهل بن زیاد را به ضعف در حدیث محکوم و تضعیف کرده‌اند.

در روایت کنانی نیز که توسط شیخ طوسی به یک سند نقل شده است (همو، ۱۴۱۴: ۳۲۹/۷؛ همو، ۱۴۳۲: ۱۶۹/۳)، در هر دو ارسال وجود دارد. به خاطر همین ضعف سند است که شیخ حرّ عاملی آن را در آخر باب هشتم ابواب مصاهره ذکر می‌کند (حرّ عاملی،

۱۴۱۵: ۴۳۰/۲۰).^۱ بنابراین این دو روایت هرچند به لحاظ دلالت تام هستند، لکن به خاطر ضعف سند، قابلیت تخصیص قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» را ندارند.

۳-۱-۴. دیدگاه سوم: حرمت زوجه بر زوج

مطابق با این دیدگاه، در صورتی که زنا بعد از عقد محقق شود، مطلقاً باعث نشر حرمت می‌شود (کرکی عاملی، ۱۴۲۹: ۳۰۱-۳۰۰/۱۲). ملاحظه می‌گردد که این دیدگاه به‌طور کلی قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» را کنار گذاشته است.

مهم‌ترین مستند این دیدگاه دلایل ذیل است:

- معتبره کاهلی: در خبر کاهلی از امام صادق علیه السلام پرسیده شد از مردی که جاریه‌ای را خریده، در حالی که هنوز آن را مس نکرده است. زوجه آن مرد به پسر بیست ساله آن مرد امر می‌کند که با آن جاریه زنا کند. در این باره چه می‌فرماید؟ امام علیه السلام فرمود: «پسر و مادر گناه کرده‌اند و نمی‌بینم که پدر به آن جاریه نزدیکی کند، در صورتی که پسر با او زنا کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۹/۵).

ایشان بعد از این خبر، ادله‌ای دیگر از روایات را برای تأیید کلام خودشان می‌آورند که هیچ کدام از آن روایات به صراحت مقصودشان را بیان نمی‌کند.

این روایت اگرچه به لحاظ سندی و دلالتی اشکالی ندارد، اما چون با انبوه روایاتی که دالّ بر قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» می‌باشند، در تعارض است، لذا قابل معارضه نبوده و تمسک به آن قابل قبول نمی‌باشد. کسی نمی‌تواند به‌طور کلی آن‌ها را کنار بزند و به قول شاذ تمسک جوید.

با تحلیل سه دیدگاه موجود مشخص گردید که دیدگاه‌های دوم و سوم به دلیل مستندات ضعیف قابل قبول نیستند. بر این اساس، دیدگاه اول که دارای پشتوانه قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» است، از وجه قابل قبولی برخوردار است. ماده ۱۰۵۵ ق.م.

۱. آنچه که ما با مطالعه مستمر و دقت در روش این محدث در این کتاب به دست آوردیم، این است که هرچند ایشان به مباحث رجالی چندان اهمیتی نمی‌دهد و همان طوری که از جلد آخر کتاب *وسائل الشیعه* برمی‌آید، ایشان سعی در توثیق و توجیه روایان می‌کند، اما در چینش روایات سعی دارد که از مرتبه قوی نزد همه اصحاب شروع کند و به ترتیب به آخر باب مربوطه که می‌رسد، عادتاً روایاتی را می‌آورد که سنداً ضعیف می‌باشند؛ خواه به خاطر ضعف راوی یا مرسل بودن و...

نیز این دیدگاه را پذیرفته است.

۲-۱-۴. زناى زن شوهردار يا در حال عده و تأثير آن بر شوهر

دومین فرع از تأثیر زناى بعد از عقد، مربوط به زناى زن شوهردار يا در حال عده است. در این حالت این سؤال مطرح می‌شود که اگر زن شوهر يا در حال عده، مرتکب عمل حرام زنا گردد، آیا سبب حرمت آن زن بر شوهرش می‌شود يا نه؟ قبل از بیان بحث لازم به ذکر است که زنا با زنی که در عده رجعی يا عدی است، در حکم زنا با زن ذات‌البعل است؛ ولی زنی که در عده وفات و يا طلاق بائن است، احکام زنا با زن ذات‌البعل را ندارد. در پاسخ به پرسش پیشین، دو دیدگاه بین فقها وجود دارد:

۱-۲-۱-۴. دیدگاه اول: حرمت نیافتن زن شوهردار بر زوج

مطابق این دیدگاه - که مشهور فقها نیز قائل به آن هستند - اگر همسر مردی زنا کرد ولو اینکه مصرّ به این کار هم باشد، طلاق دادن آن زن بر مرد واجب نیست و زن به وسیله این عمل بر شوهرش حرام نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۸: ۳۲/۳؛ همو، ۱۴۲۲: ۲۷/۲؛ نراقی، ۱۴۲۹: ۳۲۵/۱۶؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۴۱۷/۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳۶/۲۰؛ کرکی عاملی، ۱۴۲۹: ۳۱۶/۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۳: ۳۷۵/۲).

قانون مدنی در رابطه با زنا دو ماده دارد: ۱- ماده ۱۰۵۵ که در بالا ذکر شد. ۲- ماده ۱۰۵۴. در ماده اخیر آمده است:

«زناى با زن شوهردار يا زنى که در عده رجعی است، موجب حرمت ابدی است».

حال راجع به بحث ما، کدام ماده قابل استناد می‌باشد؟ به نظر می‌رسد که ماده ۱۰۵۴ ق.م. از محل بحث ما خارج است. علت این امر آن است که این ماده، رابطه حرمت زن شوهردار را با مرد زانی بیان می‌کند. این گفته ما را حقوق دانان مورد تأیید قرار داده‌اند (دیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۳؛ لطفی، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۶۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۹۲؛ شیروی، ۱۳۹۶: ۵۰)؛ برای نمونه، کاتوزیان در شرح این ماده می‌نویسد:

«اگر زن شوهرداری با مردی رابطه نامشروع داشته باشد، پس از جدایی از شوهر خود نیز نمی‌تواند با آن مرد نکاح کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۱۰/۱).

با این بیان ثابت می‌شود که آنچه محل بحث ماست، همان ماده ۱۰۵۵ ق.م. می‌باشد. از اطلاق عبارت انتهایی این ماده که می‌گوید: «... مبطل نکاح سابق نیست»، می‌توان تأیید این رویکرد فقها را از جانب این ماده استنباط کرد. علت این امر آن است که در این قسمت از ماده گفته است که زنا لاحق بر عقد، به طور مطلق بر نکاح سابق بر عقد که متعلق به زوج است، تأثیری نمی‌گذارد؛ خواه این زنا توسط زوج با یکی از نزدیکان زوجه باشد، همان طور که در صورت قبل گذشت، یا زنا زوجه با کسی دیگر باشد.

طرفداران این دیدگاه از فقها برای اثبات دیدگاه خود به ادله ذیل تمسک کرده‌اند. همان طوری که می‌آید، دو دلیل اول، صلاحیت دلیل بودن را دارا هستند، ولی از دو دلیل آخر فقط می‌توان به عنوان موید استفاده کرد:

- روایت عباد بن صهیب:

«محمد بن الحسن یاسناده، عن محمد بن علی بن محبوب، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن عباد بن صهیب، عن جعفر بن محمد رضی الله عنه قال: لا بأس أن یمسک الرجل امراته أن رأها تزنی» (حز عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳۶/۲۰)؛ ... امام صادق رضی الله عنه فرمود: هیچ اشکالی ندارد که مرد زنش را نگاه دارد هنگامی که ببیند او زنا می‌کند.

روایت از لحاظ سند صحیح است. از لحاظ دلالت نیز مشکلی ندارد؛ زیرا روایت تصریح به حلیت زن به همسرش دارد.

- قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال»: علاوه بر ادله فوق، طرفداران دیدگاه مذکور به قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» استناد نموده‌اند (نجفی، ۱۴۲۲: ۸۲۰/۳۰).

- اجماع: شیخ طوسی در کتاب مبسوط، ادعای اجماع مسلمانان را در این مسئله کرده است. البته در ادامه گفته است که حسن بصری با این حکم مخالفت کرده است (طوسی، بی‌تا(ب): ۲۰۲/۴).

- اصل استصحاب: به این صورت که زن قبل از زنا بر شوهرش حلال بوده است؛ بعد از زنا، شک در حرام شدن او بر همسرش می‌شود که به حکم سابق یعنی حلیت تمسک می‌شود (نجفی، ۱۴۲۲: ۸۲۰/۳۰؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۲۸۲/۳).

از بین چهار دلیل، تنها دلایل اول و دوم از قوت برخوردارند؛ زیرا عده‌ای از فقها،

مخالف دیدگاه اول هستند، بنابراین اجماع معنا ندارد. دلیل استصحاب نیز جزء اصول عملیه است، بنابراین زمانی می توان به آن تمسک نمود که اماره ای نباشند و با وجود اماره، جای تمسک به آن نیست و به تعبیر مشهور: «الأصل دلیل حیث لا دلیل». البته می توان از این دو دلیل به عنوان مؤید استفاده نمود.

۲-۲-۱۴. دیدگاه دوم: تفصیل

مطابق با این دیدگاه، زناى زن شوهردار یا در حال عده، موجب حرام شدن او به همسرش نمی شود. لکن اگر زن شوهردار یا در حال عده، اصرار به زنا داشته باشد، بر شوهرش حرام می شود و در این مورد فرقی نیست که زوجه مدخول بها یا غیر مدخول بها باشد (مفید، ۱۴۱۰: ۵۰۴؛ سلار دیلمی، ۲۰۰۳: ۱۴۹). قائلان این نظریه به ادله ذیل تمسک کرده اند:

- روایت فضل بن یونس: فضل بن یونس می گوید از امام موسی کاظم علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که با زنی ازدواج می کند و قبل از دخول به آن زن، زن زنا می کند. امام علیه السلام فرمود:

«بین آنها جدایی انداخته شود و به آن زن حد جاری شود و صداقی هم به او تعلق نمی گیرد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۲۳۷/۲۱).

روایتی هم با همین مضمون توسط سکونی از امام صادق علیه السلام نقل شده است (همان). همان گونه که ملاحظه می شود، این روایات هرچند به لحاظ سندی صحیح هستند، لکن اصحاب امامیه حتی اخباریان از این روایات اعراض کرده اند؛ چنان که شیخ حرّ عاملی در ذیل این روایات می نویسد: «یمكن حمل التفریق هنا علی استحباب الطلاق» (همان). از طرف دیگر، آنچه که دیدگاه مطرح نموده است - حرمت زن مدخول بها به شرط اصرار بر زنا - از روایات برداشت نمی شود؛ زیرا منطوق آنها، زوجه غیر مدخول بها بدون اشاره به اصرار بر زناست. علاوه بر اینکه مبنای دیدگاه اول، قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» است که اخبار زیادی قاعده را تثبیت می کنند و روایاتی با این ضعف دلالتی، توان معارضه و مقابله با آنها را ندارند.

- مخالفت فایده نکاح با بقای نکاح زانیه: مهم ترین فایده نکاح، حفظ تناسل و

مشروعیت آن است. در صورتی که اگر زن شوهردار به زنا عادت کند و مصرّ بر این امر هم باشد، باعث فقدان فایده نکاح و اختلاط نسب می شود.

این دلیل هم با این بیان که «الزانی لا نسب له ولا حرمة له» ردّ می شود (عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۶؛ نجفی، ۱۴۲۲: ۸۲۲/۳۰). بلکه، تنها یک چیز از این استدلال‌ها برداشت می شود و آن اینکه مستحب است شوهر این زن را طلاق دهد؛ خصوصاً زمانی که این امر قبل از دخول اتفاق بیفتد.

با ردّ دیدگاه دوم معلوم شد که قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» هم در این باب نیز به نحو کامل توسط مشهور فقها پذیرفته شده است.

۲-۴. تأثیر زنا قبل از عقد بر حلال

در صورتی که مردی قرابت نسبی، رضاعی یا سببی با زنی نداشته باشد، اصل بر حلیت آن زن است. لکن زمانی پیش می آید که مردی با زنی رابطه زنا داشته است، در این حالت این سؤال مطرح می گردد که آیا این رابطه، موجب حرمت نکاح زانی با زانیه می شود؟ نکته‌ای که در این رابطه قابل ذکر است اینکه زن دارای دو حالت شوهردار و غیر شوهردار است، لکن آنچه مورد بحث قرار می گیرد، تأثیر زنا با زن غیر شوهردار است، اعم از اینکه اصلاً شوهر نداشته یا شوهر داشته ولی به هر علتی همچون طلاق و... فعلاً شوهر ندارد؛ زیرا زنا با زن شوهردار تخصصاً از بحث خارج است، به دلیل اینکه زن وقتی شوهردار باشد، در حقیقت موضوع یا به عبارت دیگر مورد حلالی نیست تا آن حرام روی آن تأثیر بگذارد یا نگذارد. اگر هم فرض شود که آن زن از شوهرش طلاق گرفته باشد و بعد از آن با مردی زنا کند، این مورد هم از مصادیق زنا با زن غیر شوهردار می باشد.

با توجه به این توضیحات، اگر کسی با زنی زنا کند که ذات بعل یا ذات عده نیست، سه مسئله «تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به زانی»، «تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به غیر زانی» و «تأثیر زنا با زن غیر شوهردار مشهوره به زنا» مطرح می گردند که هر سه قسم به طور مستقیم با قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» ارتباط دارند و در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند:

۱-۲-۴. تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به زانی

در این مسئله این سؤال مطرح می‌گردد که اگر شخص با زنی زنا کند، آیا ازدواج با این زن بر آن زانی حرام می‌شود یا نه؟ در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه توسط فقها مطرح گردیده است:

۱-۱-۲-۴. دیدگاه اول: حرمت زانیه بر زانی

مطابق با این دیدگاه زانیه بر زانی حرام می‌شود، مگر اینکه توبه کند (طوسی، ۱۳۹۰: ۵۰۵؛ مفید، ۱۴۱۰: ۵۰۴؛ ابوصلاح حلبی، ۱۳۸۷: ۲۸۶؛ ابن یزاج طرابلسی، ۲۰۱۱: ۱۸۸/۲؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۲۳۸-۲۳۷). ملاحظه می‌گردد که این قول قاعده «الحرام لا یحرم الحلال» را در این مصداق جاری نمی‌داند. این دسته از فقها جهت اثبات نظر خود به ادله ذیل تمسک نموده‌اند:

الف- آیات ۳ و ۵ سوره نور: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ «مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمی‌کند و زن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار بر مردان مؤمن حرام است... مگر آن‌هایی که بعد از آن فسق و بهتان به درگاه خدا توبه کنند و در مقام اصلاح عمل خود برآیند، در این صورت خدا البته بسیار آمرزنده و مهربان است». قائلان به این دیدگاه به ظاهر این دو آیه تمسک کرده و اظهار می‌دارند که خداوند جمله خبریه را در این دو آیه به صورت انشایی آورده است و همان گونه که از ظاهر آیه سوم برداشت می‌شود، حکم حرمت است و استثنای موجود در آیه پنجم، شرط برداشتن حکم حرمت را بیان می‌کند (نجفی، ۱۴۲۲: ۵۱۲/۳۰-۵۱۳).

ب- روایت ابوبصیر:

«ابوبصیر می‌گوید از امام علیه السلام راجع به مردی پرسیدم که با زنی زنا کرده بود و سپس قصد ازدواج با او را داشت. امام علیه السلام فرمود: اگر آن زن توبه کند، ازدواج آن مرد با او حلال است. به امام علیه السلام گفتم: چگونه توبه آن زن فهمیده می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: آن زن را دعوت کند به سوی آنچه که آن دو به حرام انجام داده‌اند: اگر آن زن امتناع کرد و از پروردگارش استغفار کرد، توبه آن زن را می‌فهمد» (صدوق، بی‌تا: ۴۱۸/۳).

این روایت از طریق مفهوم شرط، دلالت بر حرمت آن زن می‌کند؛ به این صورت که امام علیه السلام فرمود: «اگر آن زن توبه کند، ازدواج آن مرد با او حلال است»، مفهوم شرط این جمله آن است که اگر آن زن توبه نکند، ازدواج با آن مرد حرام می‌باشد. روایت عمار بن موسی نیز قریب به همین مضمون می‌باشد (نجفی، ۱۴۲۲: ۵۱۳/۳۰).

د- اجماع: نسبت به حرمت زانیه بر زانی ادعای اجماع شده است. لازم به ذکر است که این اجماع را ابن زهره در غنیه ادعا کرده است (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۳۳۷-۳۳۸). همان طور که ملاحظه می‌شود، اجماع منقول به خبر واحد است که نقد آن در ذیل خواهد آمد.

ارزیابی دلایل دیدگاه: در رابطه به ادله مطرح توسط دیدگاه اول، این نکات قابل ذکر است:

- به نظر می‌رسد که نتوان به ظاهر آیات مذکور استناد نمود؛ زیرا نصوص متواتری وجود دارند بر اینکه مورد این آیه، مطلق زانیه نیست، بلکه مشهوره به زناست که در مبحث سوم به تفصیل توضیح داده می‌شود. همچنین ظاهر آیه در مقام اخبار است و از آن اراده نهی نمی‌شود. به عبارت دیگر قصد انشاء در جمله خبریه در آیه نهفته نیست؛ زیرا اگر قصد انشاء از جمله خبریه در آیه فهمیده شود و در نتیجه اراده تحریم از آن برداشت شود، لازمه‌اش دو چیز است: یکی اینکه بر مسلم زانی تنها زن مشرک حلال باشد و یا بر مسلمة زانیه تنها مرد مشرک حلال باشد، در حالی که هیچ شکی در بطلان این گفته نیست؛ زیرا اجماع وجود دارد که باید بین زوجین کفویت در اسلام باشد. دوم اینکه بر زانی تنها زن زانیه، و بر زانیه تنها مرد زانی حلال باشد، در حالی که بنا بر نظر مشهور فقها، غیر این دو بر زانی و زانیه جایز، لکن مکروه است؛ زیرا فقها ازدواج با فاسق را - که یکی از مصادیقش زانی و زانیه هستند - مکروه می‌دانند.

در مورد روایات نیز باید گفت که استدلال به این روایات مخدوش است؛ زیرا اولاً، مدلول این‌ها معارض شهرت است. ثانیاً، روایاتی در مقابل این دسته از روایات وجود دارند که از لحاظ عدد و صحت سند معتبرند و این روایات توان مقابله با آن‌ها را ندارند. ثالثاً، این روایات مخالف قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» هستند که اعتبار آن به طرق مختلف احراز گردیده است. رابعاً، در هر دو روایت، ضعف سندی وجود دارد؛ زیرا در

روایت اول، ابوبصیر مشترک بین ثقه و غیر ثقه است و نتیجه در این موارد تابع اخس مقدمتین است. علاوه بر این در سند روایت، مشکل قطع نیز وجود دارد (عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۳۴۰/۷). در روایت دوم نیز عمار بن موسی وجود دارد که فطحی‌مذهب است (طوسی، بی‌تا(الف): ۱۱۷؛ ابن داود حلّی، ۱۳۸۳: ۴۸۷) و نمی‌شود به روایت او اعتماد کرد. خامساً، این روایات موافق با مذهب عامه است (ابن رشد اندلسی، ۲۰۱۶: ۳۴۵) که حمل آن‌ها بر تقیه و یا کراهت متّجه است (نجفی، ۱۴۲۲: ۵۱۳/۳۰).
در مورد اجماع نیز باید گفت:

اولاً، این اجماع با توجه به مخالفت کثیری از علما ارزش ندارد.
ثانیاً، وقتی که در عبارت ابن زهره دقت می‌شود، ایشان اجماع را «علی أصل الحّلّ فی مقابل ما یحکی من البصری من الحرمة مطلقاً» آورده است (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۳۳۸). منظور از بصری در عبارت غنیه، حسن بصری است که کَشّی در رجالش روایات بسیاری را در مذمت این شخص می‌آورد (طوسی، ۱۴۰۲: ۱۷۴).
ثالثاً، اجماع به صورت منقول به نحو خبر واحد آمده است و همان طور که در اصول آمده است، اجماع منقول به نحو خبر واحد حجت نمی‌باشد (انصاری، ۱۴۲۲: ۱۸۳/۲۴).

۲-۱-۲-۴. دیدگاه دوم: عدم حرمت زانیه بر زانی

مطابق با این دیدگاه - که مشهور فقها به آن قائل‌اند - در صورتی که زانی با زن غیر شوهردار زنا کند، ازدواج با زانیه بر زانی حرام نمی‌شود (علامه حلّی، ۱۴۱۶: ۳۲/۳؛ همو، ۱۴۲۲: ۲۷/۲؛ همو، بی‌تا: ۵۱۲؛ محقق حلّی، ۱۳۸۹: ۲۲۷/۲؛ همو، ۱۳۶۸: ۲۲۷؛ بحرانی، ۲۰۱۳: ۴۳۵/۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۴). به نظر می‌رسد که صدر ماده ۱۰۵۵ ق.م. نیز همین دیدگاه را پذیرفته است. در صدر ماده آمده است:
«نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد، از حیث مانعیت نکاح، در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است...».

یعنی اگر مردی با زنی به شبهه یا زنا نزدیکی کند، نمی‌تواند با خویشان نسبی او، در حدود مذکور (مثلاً با دختر یا مادر بزرگ او) ازدواج کند (صفایی، ۱۳۸۰: ۱۱۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۴-۷۵). با این بیان، این مفهوم از ماده برداشت می‌شود که قانون‌گذار

تنها حرمت ازدواج را به اقربای سببی چه از طریق نکاح صحیح یا زنا می‌داند، اما نسبت به ازدواج زانیه با زانی به صورت ضمنی حلیت را قائل است.

ممکن است اشکال شود که قانون‌گذار در مورد مانعیت زنا سابق بر عقد، از عقد زانی با زانیه، سکوت کرده است و چه بسا این سکوت دال بر این مطلب باشد که زنا سابق بر عقد، مانع از صحت عقد باشد. شاهد بر این مدعا هم این است که قانون‌گذار با جمله «ولی مبطل نکاح سابق نیست»، به صراحت عدم مانعیت زنا بعد از عقد را بیان داشته و گویا حرمت ازدواج با زن زانیه را قبل از عقد مفروض گذاشته است.

در پاسخ به این اشکال باید گفته شود: اولاً، غالباً رویه قانون‌گذار در قانون مدنی، بیان قول مشهور می‌باشد. قول مشهور هم در این رابطه، جواز ازدواج با زانیه قبل از عقد است. ثانیاً، همان طور که در این مسئله بیان شد، ما در بین فقها قائل به حرمت به طور مطلق نداریم؛ چرا که طبق دیدگاه اول، حرمت از طریق توبه برداشته می‌شود. لذا نمی‌شود گفت که قانون‌گذار به طور مطلق قائل به حرمت می‌باشد. ثالثاً، از اینکه قانون‌گذار سکوت کرده، باید اصل را بر حلیت بنا نهاد، نه حرمت. شاهد این مطلب آن است که قانون‌گذار اصلاً اشاره‌ای به قید توبه و یا غیر توبه نکرده است؛ لذا به طور ضمنی قول مشهور را اخذ کرده است.

این دیدگاه برای اثبات نظر خود به ادله ذیل استناد نموده است:

- شهرت: شهرت عظیمه فقها موافق با این قول است. چنان که گفته شد، فقط چند تن از قدمای فقهای امامیه خلاف این قول فتوا داده‌اند. البته این دلیل پذیرفتنی نیست؛ چرا که مراد از شهرت، شهرت فتواییه می‌باشد و شهرت فتواییه حجت نیست (انصاری، ۱۴۲۲: ۲۴/۲۳۱).

- قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال»: یکی از بارزترین مصادیق قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» را باید این مورد دانست.

- روایات: روایات بسیاری دلالت بر این قول می‌کنند که به لحاظ تعداد، زیاد و از لحاظ سند، برخی از آنها صحیح‌اند؛ از جمله صحیح حلبی (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۲۰/۴۳۴)،^۱

۱. صحیح حلبی از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که با زنی زنا کند، سپس قصد کند که با او به صورت حلال ازدواج کند. امام علیه السلام فرمود: اول آن عمل قبیح و آخرش حلال....

خبر ابوبصیر (همان: ۴۳۳/۲۰)،^۱ خبر زراره (همان: ۴۳۵/۲۰) و خبر هاشم بن المثنی (همان: ۴۳۵/۲۰). همان گونه که ملاحظه می‌شود، فقط به روایت اول، صحیح و به بقیه عنوان خبر اطلاق گردید؛ زیرا در بقیه روایات، ضعف سندی وجود دارد، لکن چون مدلول آن‌ها به وسیله روایت اول و قاعده «الحرام لا یجزم الحلال» تأیید می‌شود، از آن‌ها می‌توان به عنوان مؤید استفاده نمود که به خاطر پرهیز از اطالة کلام، از بحث رجالی آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود.

- اجماع: شیخ طوسی در کتاب *خلاف نسبت به این دیدگاه*، ادعای اجماع می‌کند (طوسی، ۱۴۰۹: ۳۰۰/۴). البته این اجماع با وجود مخالفت‌هایی که از طرف علمای دیگر شده است، نمی‌تواند مورد قبول باشد. بر این اساس با توجه به ادله مذکور (قاعده و روایات)، باید دیدگاه مشهور را صحیح دانست.

۲-۲-۴. تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به غیر زانی

مسئله دوم ازدواج مرد غیر زانی با زن زانیه است. در این رابطه نیز دو دیدگاه مطرح گردیده است:

۱-۲-۲-۴. دیدگاه اول: حرمت ازدواج زانیه با غیر زانی

مطابق این دیدگاه، زانی یا زانیه نمی‌توانند ازدواج کنند، مگر اینکه توبه کنند^۲ (صدوق، ۱۴۱۸: ۳۰۶؛ ابوصلاح حلبی، ۱۳۸۷: ۲۸۶). از اطلاق کلام اینان، حرمت ازدواج غیر زانی با زانیه نیز برداشت می‌شود.

تنها دلیلی که این دیدگاه به آن استناد می‌نماید، ظاهر آیات ۳ و ۵ سوره نور است. لکن در ردّ این استدلال باید گفت که از آیه، اراده خبر شده است نه نهی. پس معنای آیه این است که مرد زانی (یعنی فاسق خبیث که شائش زناست)، رغبت به نکاح نساء صالحه (که خلاف صفت اویند) ندارند و تنها میل به زن خبیث هم‌صنف خودش یا زن

۱. خبر ابوبصیر از امام علیه السلام که دقیقاً به همان مضمون، روایتی از حلبی نقل شده است.

۲. خبر زراره از ابوجعفر علیه السلام که فرمود: اگر مردی با زنی زنا کند و بعد با او ازدواج کند این ازدواجش بی‌اشکال است....

۳. خبر هاشم بن المثنی که دقیقاً به همان مضمون روایت زراره آمده است.

۴. «قال صدوق: ولا یتزوج الزانیة ولا یتزوج الزانی حتی یعرف منهما التوبة...».

مشرکه‌ای دارد که در خباثت نزدیک به اوست. زنان زانیه نیز همین وضعیت را دارند. پس مراد این آیه، خبر دادن در مورد افرادی است که اُلفت و تمایل به هم‌صنف خودشان دارند، نه اینکه آیه بخواهد این حکم را انشاء کند که بر زانی ازدواج کردن حرام است مگر با زانیه و مشرکه. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳ سوره نور می‌نویسد: «مفسران در معنای آیه، مشاجرات طولانی و اقوال مختلفی دارند...». سپس ایشان این نوع برداشت از آیه را یکی از احتمالات بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۱۵/۱۵).

۲-۲-۴. دیدگاه دوم: جواز ازدواج غیر زانی با زانیه

مطابق این دیدگاه، ازدواج مرد غیر زانی با زانیه به طریق اولی جایز است (عاملی جعی، ۱۴۲۲: ۲۹۷/۶-۲۹۸)؛ یعنی وقتی که ازدواج زانی با زانیه در فرع قبلی صحیح باشد، به طریق اولی، ازدواج غیر زانی با زانیه جایز و حلال می‌باشد. این دیدگاه علاوه بر استناد به شهرت و قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال»، به روایات بسیاری از جمله روایت زراره (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۳۱/۷)، روایت علی بن یقظین (همان: ۲۵۳/۷)، روایت عمار (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳۷/۲۰) و عبدالله بن جعفر (همان: ۴۳۸/۲۰) استناد نموده‌اند.

در رابطه با ادله دیدگاه دوم باید گفت همان گونه که قبلاً نیز مطرح گردید، قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» از لحاظ سند و مدلول تام بوده، بنابراین مطابق با عموم آن، ازدواج غیر زانی با زانیه حلال است. در رابطه با روایات نیز باید گفت که روایات اول و آخر، از لحاظ سندی مشکلی ندارند و روایات دوم و سوم نیز که از نظر سندی ایراد دارند، می‌توان از آن‌ها به عنوان مؤید استفاده نمود. از سوی دیگر، روایات از لحاظ مدلول نیز تام می‌باشند، بنابراین باید دیدگاه دوم را دیدگاه صحیح دانست.

۳-۲-۴. تأثیر زنا با زن غیر شوهردار مشهور به زنا

در صورتی که زنی مشهور به زنا باشد، به اجماع فقها ازدواج کردن با او مشکلی ندارد و فقط کراهت دارد و احدی با این قول مخالفت نکرده است. عبارت محقق حلّی که می‌گوید: «وکذا لو کانت مشهورهً بالزنا»، بر همین قول دلالت می‌کند و احدی از کسانی که شرح بر این عبارت زده‌اند و بسیاری از فقها، اشاره‌ای به قول خلاف

نکرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۳۴۲-۳۴۱/۷؛ نجفی، ۱۴۲۲: ۸۱۹/۳۰-۸۲۰). حتی اخباری‌ها نیز موافق این دیدگاه هستند؛ چنان که شیخ حرّ عاملی بابی را در *وسائل الشیعه* با عنوان «باب کراهة تزویج الزانیة والزانی إذا كانا مشهورین بالزنا إلا بعد التوبة» آورده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳۸/۲۰-۴۴۰) و همان گونه که می‌دانیم، انتخاب عنوان باب توسط شیخ حرّ عاملی، به معنای فتوای ایشان نسبت به آن مسئله است. تنها مشکل این قول، وجود حدوداً ۱۰ روایت است که در تفسیر آیات ۳ و ۵ سوره نور آمده است و در همه آن‌ها دو وجه اشتراک وجود دارد:

- این آیات را مخصوص مشهور به زنا دانسته‌اند.

- به صورت صریح، نهی از ازدواج با مشهوره به زنا کرده‌اند و همان گونه که در اصول آمده است، نهی دلالت بر حرمت تکلیفی می‌کند.

از جمله این روایات، روایت زراره (صدوق، بی‌تا: ۴۱۵/۳)^۱، خیر حکم بن حکیم (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۳۹/۲۰)^۲ و روایت سید مرتضی (همان: ۴۴۰/۲۰)^۳ است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، این روایات دلالت بر حرمت تکلیفی دارند، اما احدی از علما به مضمونشان عمل نکرده است و نهی در این روایات را یا حمل بر کراهت کرده‌اند؛ چنان که مجلسی دوم در *مرآة العقول* به این مطلب اذعان کرده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۶۰/۲۰) و یا حمل بر تقیه کرده‌اند؛ چنان که شیخ حرّ عاملی در *وسائل* (حرّ عاملی، ۱۴۱۵: ۴۴۰/۲۰) برای توجیه این روایات، به این امر تمسک کرده است. ارزیابی نهایی: همان گونه که ملاحظه گردید، در هر سه مسئله زنا با زن غیر شوهردار

۱. زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام نسبت به قول خداوند در آیات ۳ و ۵ سوره نور سؤال کردم. امام فرمود: «آن‌ها زنان و مردانی هستند که مشهور به زنا بودند که به این امر شهرت پیدا کرده و معروف شده‌اند و امروز مردم بر آن حکم‌اند؛ پس کسی که بر او حد زنا اقامه شود یا مشهور به زنا بوده باشد، شایسته نیست بر کسی که با او ازدواج کند تا اینکه توبه او را بدانند».

۲. خبر حکم بن حکیم از امام صادق علیه السلام در رابطه با قول خداوند تعالى: «وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ» امام علیه السلام فرمود: «این حکم فقط برای زنا آشکار است». سپس فرمود: «اگر انسانی زنا کند، سپس توبه کند، ازدواج کند با هر کسی که می‌خواهد».

۳. به نقل از *رسالة المحکم و المتشابه* از سید مرتضی در تفسیر آیه مذکور که امام علی علیه السلام فرمود: «این آیه نسبت به زانی نازل شده است که در مکّه معروف به زنا بودند، از جمله آن‌ها ساره و خثیه و رباب، که خداوند نکاح با این‌ها و هر کسی را که مثل این‌هاست، حرام کرده است».

نسبت به زانی، نسبت به غیر زانی و زن مشهوره به زنا، مشهور فقها قائل به جاری شدن قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» در آن‌ها بوده، در نتیجه قائل به حلّیت ازدواج با زانیه شده‌اند و تنها عدهٔ قلیلی از فقها، این قاعده را - آن هم در برخی از مصادیق - مورد قبول ندانسته‌اند که با نقد و ردّ قول آن‌ها، ضعف عدم تمسکشان به قاعده ظاهر گردید.

نتیجه‌گیری

با توجه به رویکرد استنباطی مورد قبول در فروعاً مطروحه، ماهیت قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» نسبت به تأثیر زنا در باب نکاح، نتایج زیر به دست آمد:

- تأثیر زنا بعد از عقد، به دو قسم تأثیر زنا در زوج یا غیر زوج بر زوجه و تأثیر زنا در زن شوهردار یا در حال عده بر عقد زوج تقسیم گردید که نسبت به هر دو قسم، قاعده جاری می‌شود و اطلاق ماده ۱۰۵۵ ق.م. نیز محل اجرای قاعده را تأیید می‌کند.

- تأثیر زنا قبل از عقد نیز به دو قسم زنا با زانیه شوهردار یا غیر شوهردار تقسیم شد که قاعده در قسم اول جاری نمی‌شود؛ زیرا قسم اول - یعنی صورتی که زانیه شوهردار باشد - خارج از صدر قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» است. قسم دوم آن - یعنی صورتی که زانیه غیر شوهردار باشد - به سه قسم تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به زانی، تأثیر زنا با زن غیر شوهردار نسبت به غیر زانی و تأثیر زنا با زن غیر شوهردار مشهوره به زنا تقسیم شد. همان گونه که گفته شد، به تبعیت از قول مشهور، تمام این سه قسم بر زانی یا غیر زانی حلال بوده، در نهایت می‌توان از لحاظ تکلیفی قائل به کراهت شد. این حلّیت علاوه بر ادله مخصوص به خود، در عموم قاعده «الحرام لا یحرّم الحلال» داخل بوده و تحت صورت ثالثه یعنی حلال شأنی قرار می‌گیرد. از طریق مفهوم‌گیری که از ماده ۱۰۵۵ ق.م. شد، قسم دوم با تمام اقسامش، که به تعبیری اجرای قاعده را قبول دارند، مورد پذیرش قرار گرفت.

کتاب شناسی

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۸ ش.
۲. ابن بزّاج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز بن نحریر، المهدب، چاپ دوم، بیروت، مطبعة حلبی، ۲۰۱۱ م.
۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الوسيلة الى نيل الفضيله، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابن داود حلّی، تقی الدین حسن بن علی، کتاب الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۵. ابن زهره حلبی، سیدحمزة بن علی حسینی، غنية النزوع الى علمي الاصول والفروع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابوصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، بیروت، دار الاضواء، ۲۰۱۳ م.
۱۰. ترحینی عاملی، سیدمحمدحسن، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة الدمشقية، چاپ چهارم، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۱۲/۳، در وبگاه بنیاد اسراء، کد خبر ۲۳۷۱۷۶۳.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لاجيء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. حسینی سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحين، بیروت، دار المورخ العربي، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. زارعی سبزواری، عباس علی، القواعد الفقهية فی فقه الاماميه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۳۲ ق.
۱۷. سلار دیلمی، ابویعلی حمزة بن عبدالعزیز، المراسم العلوية و الاحکام النبوية، بیروت، دار الفکر، ۲۰۰۳ م.
۱۸. شیرازی زنجانی، سیدموسی، کتاب نکاح، چاپ دوم، قم، رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. شیروی، عبدالحسین، حقوق خانواده، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۹۶ ش.
۲۰. صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر، الدروس فی علم الاصول، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، المقنع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۳. همو، من لایحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۲۴. صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، دادگستر، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ ق.
۲۶. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم بن عبدالعظیم، العروة الوثقی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. همو، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۳۲ ق.
۲۹. همو، الفهرست، مشهد، چاپخانه خیام، ۱۴۰۲ ق.

۳۰. همو، *الفهرست*، نجف، المكتبة الرضويه، بی تا. (الف)
۳۱. همو، *المبسوط فی فقه الامامیه*، قم، المكتبة المرتضوية، بی تا. (ب)
۳۲. همو، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۰ ق.
۳۳. همو، *تهذیب الاحکام*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۴ ق.
۳۴. همو، *رجال الطوسی*، قم، منشورات الرضی، ۱۳۸۱ ق.
۳۵. همو، *کتاب الخلاف*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات، ۱۴۰۹ ق.
۳۶. عاملی جبعی (شهید ثانی)، *زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران، فروردین، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. علامه حلّی، جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *ارشاد الازدهان الی احکام الایمان*، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۲ ق.
۳۸. همو، *تبصرة المتعلمین فی احکام الدین*، تهران، اسلامیه، بی تا.
۳۹. همو، *خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال*، چاپ دوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۴۰. همو، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. همو، *مختلف الشیعة فی احکام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۲. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (خانواده)*، چاپ چهارم، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۷۵ ش.
۴۳. همو، *دوره مقدماتی حقوق خانواده*، تهران، یلدا، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. همو، *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*، چاپ دوم، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷ ش.
۴۵. کرکی عاملی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۴۲۹ ق.
۴۶. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. لطفی، اسدالله، *حقوق خانواده*، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸ ش.
۴۸. مجلسی اول، محمدتقی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۴۹. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، *الوجیزة فی علم الرجال*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. همو، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۵۱. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن هذلی، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ دوم، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹ ش.
۵۲. همو، *مختصر النافع*، ترجمه محمدتقی دانش پزوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
۵۳. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، چاپ پنجم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۴ ش.
۵۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *المقننه*، قم، دفتر انتشارات، ۱۴۱۰ ق.
۵۵. موسوی خمینی، سیدروح الله، *تحریر الوسیله*، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاعتماد، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*، تهران، کیهان، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۸ ق.
۵۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۵۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعة فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۹ ق.